

تبیین رابطه انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درونی جامعه برای نگره داری فقر، اخلاق کاری و گرایش اجتماعی با تغییر وضعیت اقتصادی شرکت کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان

فاطمه رحیمی*، حمیدرضا عریضی**، زهره موسوی***، صمد کلانتری****، مختار ملک پور**

*دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

**گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان

***دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

****گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درونی جامعه برای نگره داری فقر، اخلاق کاری و گرایش اجتماعی با تغییر وضعیت اقتصادی شرکت کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان است. روش تحقیق پیمایشی و از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه شرکت کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان، در سال ۱۳۸۴ بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل: پرسشنامه فردگرایی اقتصادی (فلدمن، ۱۹۸۱) پرسشنامه جایگاه مسئولیت وضعیت اقتصادی (فلدمن، ۱۹۸۱)، و پرسشنامه گرایش اجتماعی (کرن‌دال، ۱۹۶۹) بود. مهمترین یافته‌های پژوهش نشان داد که بین تغییر وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد ($p \leq 0/01$). بین عامل انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر با هر دو عوامل شخصی و اجتماعی ($p \leq 0/01$) و نیز دو عامل فشارهای درونی جامعه برای نگره داری فقر با عوامل شخصی ($p \leq 0/01$) و اخلاق کاری با عوامل شخصی ($0/05$) و اجتماعی ($p \leq 0/01$) بهبود وضعیت اقتصادی رابطه معناداری به دست آمد. گرایش اجتماعی با عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی رابطه معناداری دارد ($p \leq 0/05$). بین انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر ($p \leq 0/01$) و فشارهای درونی جامعه برای نگره داری فقر ($p \leq 0/05$) با تغییر وضعیت اقتصادی مردم رابطه معناداری به دست آمد. یافته‌ها

بر اساس دو دسته نظریه کلی که در پیشینه پژوهش به آن اشاره گردیده است یعنی نظریه گرایش به خود اقتصادی و گرایش اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درونی جامعه برای نگه داری فقر، اخلاق کاری، گرایش اجتماعی، تغییر وضعیت اقتصادی، عوامل شخصی، عوامل اجتماعی، شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری.

Explanation of the Relation between Organization Accommodation for Equal Opportunity, Internal Tension of Society for Poverty Maintenance, a Work Ethics and Social Interest with Participant Economic Status Change in 9th Presidential Selection in Isfahan City.

F. Rahimi^{*}, H. Oreizi^{**}, Z. Mosavi^{***}, S. Klantari^{****} and M. Malekpoor^{**}

^{*}M.A. Student University of Isfahan

^{**}Psychology Department, University of Isfahan

^{***}Ph.D. Student, University of Isfahan

^{****}Political Science, Islamic Azad University of Shahreza

Abstract

Current research aim was to determine the organization accommodation for equal Opportunity, internal Tension of society for Poverty maintenance, a work ethics and social interest. Research method was survey via correlational type and statistical in population include Participants in 9th Presidential selection in Isfahan city (1384). Two stage random sampling method was economics status responsibility position (Feldman, 1981), economic individualism inventory (Feldman, 1981), and social interest Questionnaire (Crendal, 1969). The most significant findings indicate that there is relation between economic status change with personal and social attributions. Also there is significant relation between organization accommodation for equal opportunity and both internal Tension of society for Poverty maintenance and work ethic factors and personal and social attributions for economic improvement of subjects. There are significant relations between social interest and social factor of economic improvement, and between organization accommodation for equal opportunity and both internal Tension of society for Poverty maintenance. Findings were discussed by two clusters of theorems namely economic self-interest and social-interest.

Key words: Organization accommodation for equal Opportunity, internal Tension of society for Poverty maintenance, a work ethics, social interest, economic status change, personal factors, social factors, Participant in presidential selection.

نابرابری^۱ یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی

مبانی نظری پژوهش

1 -Inequality

عرضه خود که بیان می‌دارد انسان تلاش می‌کند تصویر مثبت و خوبی از خویشتن، هم به خود و هم به دیگران ارایه دهد (اشلنکر و دیگولد⁵، 1992).

ب- نظریه پردازش اطلاعات که بیان می‌دارد انسان کارهایی را که انجام داده زودتر از کارهایی که انجام نداده و یا دیگران انجام داده اند به یاد می‌آورد و پردازش می‌کند (راس و سیکولی⁶، 1979). ج - نظریه ای در رابطه با این که انسان دارای انگیزه حفاظت از عزت نفس و ارتقا دادن آن می‌باشد (تایس⁷، 1991). از بحث بالا می‌توان دریافت که عوامل بی شماری ممکن است بر اعتبار مقایسه‌های چند درجه ای ارزشیابی خود تاثیر بگذارد، بنحوی که اعتبار آنها را مورد تردید قرار دهد.

مارتین سلیگمن⁸ (1991) در مطالعات متفاوت دریافت، تفکر خودمدارانه و اسنادهای به نفع خود، گستره ای از منافع را برای فرد در بر دارد. اما عیب عمده سوگیری به نفع خود این است که فرد به منافع گروه و یا جمعی که خود عضو آن است کمتر توجه می‌کند که در نتیجه ممکن است کاهش منافع جمعی باعث کاهش منافع فرد شود. یکی از جنبه‌های مهم گرایش به خود، گرایش به خود اقتصادی⁹ است (لیپست¹⁰، 1960) که در تصمیم گیری‌های سیاسی اهمیت خود را نشان می‌دهد (فلدمن، 1981). گرایش به خود اقتصادی عبارت است از: جهت گیری نسبت به تغییر

جوامع انسانی است. نیازهای فردی از قبیل توانایی‌ها و نیز تفاوت‌های اجتماعی از قبیل نابرابری در حقوق و پاداش سبب پدیدآیی نابرابری هستند (حاجی وند، 1383). وقتی امکانات جامعه به طور ناعادلانه بین مردم تقسیم شود تعارض و نارضایتی شکل می‌گیرد و جامعه را با بحران پنهانی روبه رو می‌کند. به بیان دیگر، تعلق تسهیلات به طور غیر عادلانه به گروهی از مردم، تعارض را در کل جامعه پررنگ و نمایان می‌کند. بنابراین سیاست مداران و دولت مردان باید در توزیع امکانات دقت زیادی داشته باشند و یا توزیع امکانات را قانونمند و ساختاری کنند و از اعمال نفوذ، رابطه بازی، خویش و قوم گرایی و مصلحت گرایی بپرهیزند.

به لحاظ روانشناختی، انسانها هم در جهت منافع شخصی خویش برانگیخته می‌شوند و هم به منافع گروه توجه می‌کنند. یکی از دلایل گرایش انسان‌ها به منافع شخصی خویش، سوگیری به نفع خود¹ است که جنبه شناختی دارد و دیگری گرایش به خود اقتصادی است² که زیر بنای روانشناختی تصمیمات و تاثیرات اقتصادی را نشان می‌دهد (فلدمن³، 1981). بر اساس نظریه سوگیری به نفع خود، افراد در رابطه با موفقیت‌های خود، اسنادهای مبتنی بر ویژگی‌های پایدار و برای شکست‌های خود، اسنادهای موقعیتی به کار می‌برند (ارونسون⁴، 1384).

در مورد علل سوگیری به نفع خود سه نظریه از جانب محققان ارایه گردیده است: الف - نظریه

5 - Schlenker & Weigold

6 - Sicolu

7 - Tice

8 - Siligman

9 - Economic self- interest

10 - Lipset

1- Self- serving bias

2 - Economic self- interest

3 - Feldman

4 - Erunson

می‌کوشد هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند و در نظامی عمل می‌کند که در آن احزاب سیاسی برای کسب بیشترین آرا فعالیت می‌کنند (همان: 140).

بر پایه نظریه سودمندی مشارکت سیاسی یا نظریه گزینش عقلانی، انسانها با برآورد سود و زیان دست به اقدام می‌زنند. آنها پیش از این که به هرگونه مشارکت سیاسی بپردازند، عاقلانه بررسی می‌کنند که آیا مشارکت سیاسی در انتخاباتی خاص، برای آنان سودی در بر خواهد داشت یا نه؟ چنانچه به نظر برسد سودی از آن مشارکت حاصل نمی‌شود یا به احتمال زیادی متوجه آنان خواهد شد، از مشارکت سیاسی خودداری خواهند کرد، در غیر این صورت وارد میدان مشارکت سیاسی خواهند شد. این رویکرد با عنوان نظریه انگیزش اقتصادی مطرح شده است (کلانتری، 1384: 275). بر پایه برخی نظریات اقتصادی - اجتماعی، وضعیت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد مانند: جنس، سن، میزان سواد و درآمد نیز برای مشارکت سیاسی مردم در فعالیتهای سیاسی تعیین کننده است (کلانتری، 1384: 5).

از دیدگاه گزینش عقلانی، رای دهنده در واقع بازیگری اقتصادی در میدان سیاست است که به دنبال افزایش دادن منافع خود می‌باشد. رای در واقع در راستای دستیابی به بیشترین منفعت اقتصادی به صندوق ریخته می‌شود. پس شهروند هنگامی رای می‌دهد که "فضای سیاسی"⁵ در

وضعیت اقتصادی¹ بصورتی که منافع فردی در آن لحاظ گردد و در مقابل آن گرایش اجتماعی - اقتصادی قرار دارد که در آن منافع کل اجتماع در نظر گرفته می‌شود. همچنین تحقیقات متعدد نشان داده‌اند، افرادی که عضو یک گروه هستند و در آن هویت می‌یابند نسبت به افرادی که تنها به دنبال رفع انتظارات شخصی خود می‌باشند (گرایش به خود)، احتمال بیشتری دارد که بر طبق هنجارهای گروهی عمل کنند، لذا نظریه‌ها و تحقیقات نشان می‌دهند که گرایش بیشتر به سمت دیگران (گرایش اجتماعی)، با نفع شخصی کمتر و پردازشهای عقلایی کمتری همراه می‌باشند (تری، هوگ و ویت²، 1999).

همچنین سیمون (1990، 1993) معتقد است، افراد تغییر وضعیت اقتصادی خویش (از بهتر به بدتر یا از بدتر به بهتر) را به عوامل درونی - بیرونی (شخصی - اجتماعی) نسبت می‌دهند و در رابطه با متغیرهایی همچون گرایش اجتماعی و یا انتخابات، مرتبط با تغییر وضعیت اقتصادی خود رفتار می‌کنند. تافت³ (1987)، گرایش به خود را با این جمله که مردم به کیف پول خود رای می‌دهند برجسته کرده است و منظور وی این است که مردم به فردی رای می‌دهند که به لحاظ اقتصادی مدافع منافع آنان باشد. به عقیده راش⁴ (به نقل از صبوری، 1377: 139)، مشارکت در انتخابات ریشه در انگیزه‌های اقتصادی دارد و مدافع برجسته این نظر، آنتونی داونز است. او انسانی محاسبه گر و عقلانی را مطرح می‌کند که

1 - economic status change

2 - Terry & Hogg & White

3 - Tufte

4 - Rush

5 - Policy space

بهبود می‌یابد. پس بر پایه منطق اقتصادی، رای می‌تواند برآیند ارزیابی "وضع مالی رای دهنده"⁵ "بوده و یا بر پایه "وضع کلی اقتصادی جامعه"⁶ شکل گیرد (کیندر و کیویف⁷، 1981).

انتخابات سال 2004 و انتخاب مجدد جورج بوش بازتاب این واقعیت است که رای دهندگان بر پایه "شناخت منافع" (لوو و ردلاوسک، 1997) خود تصمیم می‌گیرند. این بدان معنا است که هر چند نامزدهای ریاست جمهوری ممکن است آن طور که پترسون (2002) می‌گوید "موضوعات واقعی" را به بحث نگذارند، اما در پای صندوقهای رای این درک وجود دارد که کدام نامزد بالاترین منافع - خواه مادی و خواه معنوی - را فراهم می‌آورد (دهشیار، 1384: 36). در حقیقت، افراد بسیاری نه بر پایه وابستگی احساسی به احزاب سیاسی، بلکه با توجه به چیزی فراتر از آن رای می‌دهند (پومپر⁸ و همکاران، 2001). با این حال، نتایج پژوهش‌ها در این زمینه متفاوت می‌باشد (فلدمن، 1981). به اعتقاد عبدی (1384: 26) در ایران "انتخابات را نمی‌توان آینه تمام نمای جریان‌های اجتماعی در نظر گرفت". "بیش از صد سال است که مردم ایران تمایل به آزمون و خطا دارند، به همین دلیل گفته می‌شود که رفتار مردم ایران غیر قابل پیش بینی است. معمولاً انسان‌ها و در نتیجه جوامعی که عاقلانه حرکت می‌کنند، رفتارشان قابل پیش بینی است. انسان‌هایی که در حقیقت احساسات بر عقلشان غلبه دارد، پیش بینی پذیر نیستند.

راستای منافع اقتصادی او مهیا باشد (لوو و ردلاوسک¹، 1997).

ارونسون (1384) معتقد است مردم برای رفتارهای مهم از قبیل انتخاب رییس جمهور به تجزیه و تحلیل‌های دقیق روی می‌آورند و کمتر در سطح ظاهری عمل می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده در مورد رفتارهای انتخاباتی در آمریکا نشان می‌دهد نقش گرایش به خود اقتصادی در رفتار سیاسی مردم این کشور نقش دارد. این دیدگاه اگرچه با عقل سلیم انطباق دارد، اما برخی دیگر از پژوهش‌ها بر گرایش اجتماعی-اقتصادی تاکید نموده اند (استیگلر²، 1973، ارکلیوس و ملتزر³، 1975، اوونس و اولسون⁴، 1980) و نشان می‌دهند، مردم گاهی اوقات نه به خاطر منافع شخصی بلکه به خاطر پیشرفت جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند به مشارکت در انتخابات می‌پردازند. اصولاً این امر در جوامعی که منافع اجتماعی بر منافع شخصی افراد برتری دارد رخ می‌دهد و می‌تواند نشانگر وجود روح جامعه گرایی در مقابل فرد گرایی باشد، با این حال توجه به منافع اجتماعی حتی در جامعه فردگرای آمریکا نیز دیده می‌شود (فلدمن، 1981). هر چند رای می‌تواند بر پایه منافع شخصی در صندوق انداخته شود، ولی این احتمال هم وجود دارد که رای دهنده سلامت اقتصادی جامعه را برتر شمارد و بر این باور باشد که تنها در چارچوب یک اقتصاد ملی پویا است که وضع اقتصادی او

5 - Voter's pocketbook

6 - Sociotropic voting

7 - Kinder & Kiewiet

8 - Pomper

1 - Lau & Redlawsk

2 - stigler

3 - Arcelus & Meltzer

4 - Owens & Olson

"درست" رای می‌دهد (لوو و ردلاوسک، 1997). از سوی دیگر، تجربه نشان داده است که هر انسانی که وارد عرصه سیاست می‌شود، به احتمال زیاد، هوای قدرت در سر دارد. گروهی قدرت را برای رسیدن به منافع فردی و ارضای خواسته‌های شخصی خود می‌خواهند و گروهی نیز قدرت را برای تامین منافع اجتماعی جست و جو می‌کنند. هر دو گروه یاد شده همیشه و در همه جوامع از جمله ایران وجود داشته اند (مدنی، 1384: 40). انگیزه روانشناختی موثر در گروه اول را گرایش به منافع خود و انگیزه روانشناختی موثر در گروه دوم را گرایش اجتماعی می‌نامند. واقعیت این است که هیچ جریانی بدون تضاد نیست و تنوع افکار در همه جا به چشم می‌خورد (غنی، 1384: 44). آدلر⁴ گرایش اجتماعی را نه یک ویژگی فرهنگی بلکه ویژگی انسانی می‌داند که در همه جوامع دیده می‌شود. بر طبق این دیدگاه فرد سالم از گرایش به خود رسته و به عوامل پیشرفت جامعه خود می‌اندیشد و در آن جهت گام بر می‌دارد (شولتز و شولتز، ترجمه سید محمدی، 1383). مفهوم گرایش به خود اقتصادی در نظریات جامعه‌شناسی بر تحلیل کلان داده‌ها تاکید و منافع افراد در سطح اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنابراین مفهوم گرایش به خود اقتصادی و همچنین متغیرهای روانشناختی وابسته به آن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. در این میان، "تفسیر روانشناسانه - اجتماعی" به عواملی که مولفه‌های اجتماعی را تعدیل یا تشدید می‌کند،

یکبار دیگر مردم ایران در انتخابات نهم نشان دادند که دوباره به آزمون جدیدی پناه بردند" (مظفر، 1384: 32). انور خامه ای در تحلیلی بر انتخابات نهم ریاست جمهوری¹ اظهار می‌کند: گرایش به منافع خود (گرایش فردی) در جامعه ایران بیش از گرایش اجتماعی² است و در توجیه آن می‌نویسد: "نتیجه ای که در این آزمایش می‌توان گرفت این است که سیستم انتخاباتی ما مبتنی بر احساسات و تمایلات فردی است، نه بر خرد جمعی و منافع اجتماعی" (انورخامه ای، 1384: 8).

کیندر و کیویف³ (1979)، نتیجه گیری می‌کنند که: "تحت شرایط عادی رای دهندگان در انتخابات بین تجارب اقتصاد فردی و نگرشها و ترجیحات سیاسی خویش رابطه ای برقرار نمی‌کنند." در اینجا سوالی که پیش می‌آید این است که چرا شرایط اقتصاد فردی بر انتخاب کاندیدا تاثیر نمی‌گذارد؟" به گفته دهشپار (1384: 36) رای دهنده در همان حال که از پیشینه اجتماعی و وابستگی‌های احساسی خود تاثیر می‌پذیرد، نگرش منفعت طلبانه ای هم نسبت به انتخابات دارد. رای دهنده برای گزینه‌های گوناگون، اولویت‌هایی قایل است. در زمینه موضوعات در سطح کلی، قدرت شناخت دارد هر چند ممکن است به خوبی نتواند آن را نشان دهد و به نتیجه انتخابات در چارچوب گرایشها، دلبستگی‌ها و اولویت‌های خود می‌اندیشد. در تحلیل نهایی، شهروند با در نظر گرفتن محدودیت‌های انسانی و ساختاری،

1 - 9th presidential selection

2 - social interest

3 - Kinder & Kiewief

4 - Adler

عوامل شخصی مانند میزان تلاش خود، قناعت و صرفه جویی را در تغییر وضعیت اقتصادی خود موثر می‌داند و اسناد بیرونی تغییر وضعیت اقتصادی به این معنی است که فرد عوامل اجتماعی مانند: تورم، بیکاری و سطح درآمد ملی را در تغییر وضعیت اقتصادی خود موثر می‌داند و فردگرایی اقتصادی سازه ای است که نشان دهنده نقش مولفه خود - دیگری⁶ در مورد توزیع ثروت و فقر در جامعه است (فلدمن، 1981).

پیشینه تجربی پژوهش

در مورد استناد وقایع مثبت و منفی به خود یا سوگیری به نفع خود پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. برای نمونه ویتلی و فریز⁷ (1985) دریافتند که کودکان موفقیت‌های خود را به راحتی به استعداد و توانایی خود نسبت می‌دهند، در حالیکه شکست‌های خود را ناشی از بدشانسی و عدم امکانات خارجی می‌دانند. نمونه دیگر، بررسی‌های دیویس و استفان⁸ (1980) و گریفین⁹ و دیگران (1983) می‌باشد که در آن دانشجویان دانشگاه موفقیت خود در نمرات را بعنوان تواناییهای شخصی خود پذیرفتند در حالیکه نمرات بد خود را ناشی از کیفیت بد امتحان می‌دانستند (مولوی، 1377).

بطور کلی، مردم خود را مثبت تر از دیگران درجه بندی می‌کنند و بر این باورند که خودشان از حد متوسط بالاترند و یا اینکه گروه‌های دو نفره ای که به انجام وظیفه ای ماهرانه می‌پردازند،

می‌پردازد (میلر و شانکس¹، 1996). هر چند ویژگیهای اجتماعی رای دهنده اهمیت دارد، اما در خلا عمل نمی‌کند بلکه زیر تاثیر مولفه‌های روانی رای دهنده است (دهشیار، 1384: 36).

با توجه به اهمیت گرایش به خود اقتصادی به عنوان یک مفهوم نظری این نتیجه محتاج تحلیل‌های بیشتر می‌باشد. برای این کار باید ادراک افراد از مشکلات شخصی و باور آنها درباره نقش دولت در حل این مشکلات مورد توجه قرار گیرد.

سیمون² (1990، 1993) معتقد است که در بین افراد در زمینه نفع شخصی عاقلانه هم تفاوت‌های فردی وجود دارد. افراد هنگامی که به ارزیابی اطلاعات از دیگران می‌پردازند، بسته به میزان تاکیدشان بر نفع شخصی از یکدیگر متمایز می‌شوند.

از طریق مقایسه پیش بینی‌های نظریه انتظار و نظریه برابری و عدالت می‌توان چنین توجیه نمود: در حالیکه نظریه انتظار حول نفع شخصی عاقلانه طرح می‌شود (لاک³، 1975)، پیش بینی‌های نظریه عدالت و برابری مبتنی بر پیوستن به هنجارها یا اختصاص به گروهها می‌باشد و بیشتر شامل تخلف از نفع شخصی‌های عاقلانه می‌باشد (بازرمان⁴، 1993، توریلو، فولگر، لاول، یومفرس و جی⁵، 2002).

در پژوهش حاضر اسناد درونی تغییر وضعیت اقتصادی به این معنی بکار رفته است که فرد

1 - Shanks

2 - Simon

3 - Locke

4 - Bazerman

5 - Turillo & Folger & Lavelie & Umphress &

Gee

6 - Self/other

7 - Whitly & Frieze

8 - Davis & Stephan

9 - Griffin

آنها که بطور مشخص مبنی بر تأثیر گرایشات اجتماعی در عقلانی بودن می‌باشد. تحقیقاتی با اندازه‌های گوناگونی از گرایشات اجتماعی - شامل نوع دوستی (ما و لیونگ³، 1991)، علاقه اجتماعی (فری⁴، 1976)، خودتفسیری بین فردی (کوان، بوند و سینگلیس⁵، 1997)، و فردگرایی-جمع گرایی (گودوین و هرماندز پلازا⁶، 2000) انجام شده و موید نظریه انتظار در برابر نظریه عدالت و برابری می‌باشد.

بعلاوه در خصوص تفاوت‌های فرهنگی در زمینه ارزش فرد گرایی - جمع گرایی، تحقیقات بین فرهنگی نشان داده اند که افراد از فرهنگ‌های جمع گرا، گرایشات اجتماعی قوی تری داشته اند (هافستد⁷، 1984، تریاندیس⁸، 1995). از اینرو مطالعه شاخص‌های گوناگونی از قبیل ارزش‌ها (برای مثال، نگران دیگران بودن، راولین و مگلینو⁹، 1987)، خصایص (برای مثال، خلق همدلی، آرچر¹⁰، 1991: علاقه اجتماعی، کرندال¹¹، 1975)، در فرهنگ‌های مختلف جلوه‌های متفاوتی از گرایشات اجتماعی را در فرهنگ‌های جمع گرا یا فردگرا نشان داده است. کار سیاسی که همان رای دادن است، بازتاب جایگاه، وضعیت، موقعیت و ویژگی‌های فرد در اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. این تفسیری جامعه شناسانه از چگونگی رفتار

هر کدام برای بردها به خود امتیاز می‌دهند، در حالیکه سرزنش باخت‌ها را بیشتر متوجه یار خود می‌دانند (به نقل از ارونسون، 1384).

نظریه انتظار پیشنهاد می‌کند که افراد در پی به حداکثر رساندن پیامدهایشان هستند، در مقابل نظریه عدالت و برابری پیشنهاد می‌کند که افراد انگیزش می‌یابند تا تنش ناشی از تخلف از تعلق به هنجارها را کاهش دهند، با فرض اینکه پیش بینی‌های نظریه انتظار براساس نفع شخصی عاقلانه پیش‌بینی می‌شود، انتظار می‌رود افرادی که گرایشات اجتماعی قوی دارند، بیشتر براساس نظریه عدالت و برابری عمل کنند تا نظریه انتظار. وچو¹ (1981) در مطالعه ای شواهد و مدارک مربوط به این تعبیر و تفسیر را ارائه کرد، او نقش استدلال اخلاقی را در عکس العمل نسبت به نابرابری و بی‌عدالتی و همچنین پیش بینی‌های نظریه‌های انتظار و برابری (عدالت) را از طریق بررسی میزان همدلی شرکت کنندگان نسبت به افراد مختلف ارزیابی نمود که این نشانه‌هایی از گرایشات اجتماعی می‌باشد (راشتون² و همکاران، 1981). این یافته‌ها نشان دادند، شرکت کنندگان واجد گرایشات اجتماعی ضعیف (یعنی همدلی ضعیف) برطبق پیش بینی‌های نظریه انتظار، عمل نمودند یعنی کمیت درون داده‌ها را افزایش و کیفیت آن را کاهش دادند و برعکس کسانی که صدق می‌کند که در گرایشات اجتماعی قوی می‌باشند برطبق پیش بینی‌های نظریه برابری و عدالت عمل می‌کنند یعنی کاهش دادن کیفیت درون داده‌هایشان و افزایش کمیت

3 - Ma & Leung

4 - Fry

5 - kwan & Bond & Singelis

6 - Goodwin & Hernandez Plaza

7 - Hafstede

8 - Triandis

9 - Ravlin & Meglino

10 - Archer

11 - Crandall

1 - Vecchio

2 - Rushton

پیمان (1384: 8)، معتقد است که در انتخابات ریاست جمهوری مردم "بیشتر به کسانی رای دادند که به آنها وعده عدالت اجتماعی و فقرزدایی داده بودند و مصایب و رنج‌های آنان را مطرح کرده بودند." همچنین باوند (1384: 10) معتقد است "جامعه ما با وجود منابع طبیعی و درآمدهای سرشار نفت، با افزایش شکاف اقتصادی روبه رو بود و به تبع آن در سطوح مختلف اجتماعی، مردم با مشکلات ملموس و روزافزونی روبه رو بودند، بنابراین رییس جمهور منتخب ایران، با یک زبان ساده و مردمی سعی کرد بر این نکات تکیه بکند و بر مفسد مالی و اقتصادی و شکاف روزافزون و حمایت از طبقه به اصطلاح مستضعف انگشت بگذارد و به نظر بسیاری، این رمز موفقیت ایشان بود"

تعریف عملیاتی گرایش اجتماعی و نیز هر یک از عوامل پرسشنامه فردگرایی اقتصادی فلدمن (انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر²، فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر³ و اخلاق کاری⁴) نمره ای است که افراد در مقیاس‌های مربوطه به دست می‌آورند و پاسخ به دو سؤال تغییر وضعیت به بهتر و یا بدتر که توسط آزمودنی‌ها به صورت خودگزارشی تعیین می‌شود، به صورت عملیاتی تغییر وضعیت اقتصادی را مشخص می‌سازد.

در تحقیق حاضر سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که با توجه به سازه گرایش به خود اقتصادی و نتیجه به دست آمده از نهمین

شهروند در قلمرو سیاست به شمار می‌آید (لازالسفلد، برلسون و گاودت¹، 1948). در صورتی که فرد در رفتار انتخاباتی خود گرایش اجتماعی داشته باشد، تورم، بیکاری، سطح درآمد ملی و کلاً مسایل و مشکلات جامعه درانتخاب وی تاثیر خواهند گذاشت و سرنوشت اجتماعی بر سرنوشت شخصی ترجیح داده می‌شود (فلدمن، 1981). همچنین رای دهنده، بر کنار از جایگاه اجتماعی خود رفتار نمی‌کند، او در بند طبقه، قومیت، زیستگاه و وضع اقتصادی خود است و به گونه غریزی بر پایه این مولفه‌های اجتماعی است که رای می‌دهد (لازالسفلد، برلسون و گاودت، 1948). با این حال به سختی می‌توان این عوامل را از منافع شخصی تفکیک نمود، زیرا بین آنها یک رابطه تعاملی و دو جانبه برقرار است. در تحقیق رحیمی، عریضی و عابدی (1384) این مساله تایید شده است و اینکه شعار انتخاباتی احمدی نژاد هم شامل مولفه‌های گرایش اجتماعی و هم مولفه‌های گرایش فردی بوده و توانسته مردم ایران را به پای صندوق‌های رای آورده و آرای بیشتری کسب کند. "احمدی نژاد با موضع طبقاتی (حمایت از طبقات ضعیف) وارد صحنه انتخابات شد"، "شعار اصلی او این بود که معیشت مردم باید تامین باشد و مردم باید ثروت و امکاناتی داشته باشند که بیشتر ناشی از فروش نفت ایران است و باید مردم درآمد نفت را در سفره خودشان احساس کنند و این درآمد در زندگی مردم ملموس شود که این شعار جذابیت خاصی برای توده‌های مردم داشته است (مظفر، 1384: 34-36).

2 - Organization accommodation for equal Opportunity

3 - Internal Tension of society for Poverty maintenance

4 - Work ethics

1 - Lazarsfeld & Berelson & Gaudet

صنعتی به اخلاق کاری مشهور شده است (کورمن³، ترجمه شکرکن، 1371).

در مولفه اخلاق کاری، ملاک‌های بهینه انجام کار مورد نظر قرار گرفته است، در حالیکه در مولفه برابری اقتصادی ادراک شده توجه اصلی به عدالت اجتماعی و برابری بین مردم است. گرایش به خود اقتصادی در رفتارهای انتخاباتی بیشتر بروز پیدا می‌کند، زیرا انگیزه پاسخدهی و تفکر در مورد وضعیت اقتصادی و اسناد در مورد دلایل وضعیت اقتصادی افراد در این موقعیت بیشتر است (فلدمن، 1981). در مطالعه ای که عریضی، رحیمی و ملک پور (1385) برای بررسی اعتبار و پایایی و هنجاریابی پرسشنامه فردگرایی اقتصادی فلدمن در ایران انجام دادند، سه مولفه انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر (مثلا ضعف مدارس در نواحی فقیر نشین، یا فقدان مشاغل کافی در جامعه)، فشارهای درون جامعه برای نگره داری فقر (مثلا تاخیر در استخدام و الویت در اخراج از کار) و اخلاق کاری (مثلا فقدان انگیزش پیشرفت و تلاش) به دست آمد.

فرضیه‌های تحقیق

1- بین تغییر در وضعیت اقتصادی مردم و اسناد به عوامل شخصی و یا اجتماعی در بین شرکت کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

2- بین عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی با سه عامل فردگرایی اقتصادی فلدمن (انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون جامعه برای نگره داری فقر، اخلاق

دوره انتخابات ریاست جمهوری می‌توان چنین استنباط کرد که این گرایش در مردم ایران وجود دارد؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ایران تحقیق مستقلی برای بررسی روابط ساختاری میان مولفه‌های فردگرایی اقتصادی و گرایش اجتماعی با تغییر وضعیت اقتصادی افراد صورت نگرفته است. به همین لحاظ این پژوهش با در نظر داشتن هدف تعیین رابطه بین منافع شخصی و اجتماعی - اقتصادی و متغیرهای روان شناختی و همچنین تعیین رابطه نوع اسنادهای تغییر وضعیت اقتصادی (شخصی - درونی و اجتماعی - بیرونی) با عوامل سازه گرایش به خود اقتصادی به انجام رسیده است.

پیشینه تجربی ابزارهای پژوهش

اسنادهای وضعیت اقتصادی عمومی دیدگاهی است که فرد نسبت به دلایل فقر و ثروت افراد در جامعه دارد و نخستین بار برای آن توسط فلدمن (1981) ابزاری ساخته شده است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. وی دو عامل برابری اقتصادی ادراک شده و اخلاق کاری را بدست آورد. عامل اول بیان کننده رویکرد برابرخواهانه نسبت به شرایط اقتصادی است، درحالی که عامل دوم نشانگر پیشرفت اقتصادی کل جامعه و انگیزش پیشرفت بر طبق ملاکهای اخلاق کاری است که مبتنی بر دیدگاههای وبر¹ (اخلاق پروتستانیسم) و مککلند² (انگیزش پیشرفت) است و در ادبیات روانشناسی

1 - Veber

2 - Mc Kland

3 - Korman

سال 1384 که دارای 16 سال به بالا بوده اند می‌باشد. چون در انتخابات انگیزه برای پاسخ دادن به سئوالات (با توجه به ارزیابی تغییر وضعیت اقتصادی برای تصمیم‌گیری)، بیشتر می‌شود و امکان مقایسه نسبت به قبل در زمان انتخابات بیشتر است، بنابراین نمونه آماری به حجم 375 نفر انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه، چون امکان پایلوت با توجه به نوع پژوهش وجود نداشت و با توجه به اندازه اثر به دست آمده و با توجه به جدول کوهن¹ برای اندازه اثر کوچک (1992) حجم نمونه 375 نفر انتخاب گردید. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی دو مرحله‌ای بود که در مرحله اول تعدادی از خیابانها در مناطق مختلف شهر اصفهان به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردیده و سپس در داخل آن خیابانها در مرحله دوم از طریق انتخاب تصادفی پلاکهای (K=3) انتخاب شده و نظر خواهی از افراد انجام شد. در صورتی که فرد مورد نظر در انتخابات شرکت نکرده بود از پلاک‌های مجاور (K-1 و K+1) نمونه‌گیری صورت گرفت.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه جایگاه مسئولیت فردی وضعیت اقتصادی (فلدمن، 1981) و پرسشنامه فردگرایی اقتصادی شامل 10 سؤال (فلدمن، 1981، ترجمه عریضی، 1384) که پاسخ‌های این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) کدگذاری شده، استفاده می‌شود، پایایی پرسشنامه توسط عریضی، رحیمی و ملک پور (1385) به

کاری) و گرایش اجتماعی در بین شرکت‌کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

3- بین سه عامل فردگرایی اقتصادی فلدمن (انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون جامعه برای نگره داری فقر، اخلاق کاری) و گرایش اجتماعی با تغییر وضعیت اقتصادی در بین شرکت‌کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

4- بین انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر و گرایش اجتماعی در بین سه گروه از افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بهتر شده، بدتر شده و یا تغییر نکرده است رابطه وجود دارد.

5- بین فشارهای درون جامعه برای نگره داری فقر و گرایش اجتماعی در بین سه گروه از افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بهتر شده، بدتر شده و یا تغییر نکرده است رابطه وجود دارد.

6- بین عامل اخلاق کاری و گرایش اجتماعی در بین سه گروه از افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بهتر شده، بدتر شده و یا تغییر نکرده است رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی و از نوع همبستگی است (بورگ و گال، 1996، ترجمه نصر، عریضی و دیگران، 1382). جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌کنندگان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهر اصفهان و در

1 - Cohen

روش آماری

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در فرضیه اول از ضریب همبستگی کندال تاو و در بقیه فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین از آماره مقایسه ضرایب همبستگی در نمونه‌های مستقل استفاده گردید (استانلی و گلاس، ترجمه عابدی و اسفندیاری، 1368).

یافته‌های پژوهش

با توجه به اطلاعات جدول یک میانگین عوامل شخصی بهبود وضعیت اقتصادی در میان عوامل شخصی و اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی بالاتر از بقیه و برابر با 1/12 می‌باشد.

شیوه همسانی درونی و بازآزمایی 0/463 و 0/489 به دست آمده است. لازم به ذکر است که چون آلفای کرونباخ تابع تعداد سئوالات است برای تعداد اندک سئوالات مانند پژوهش حاضر سطح مورد نظر یعنی حدود 0/5 مطلوب است. آلفای کرونباخ دارای جداول سطح معناداری نبوده و برای تعداد حدود بیست سئوال آلفای کرونباخ حدود 0/7 مطلوب می‌باشد. پرسشنامه گرایش اجتماعی که توسط کرنندال (1969) بر اساس نظریه گرایش اجتماعی آدلر ساخته شده است و توسط عریضی (1383) ترجمه و در یک پژوهش (عریضی، قربان علیپور، 1383) به کار رفته، استفاده شده است.

جدول ۱- آمارهای توصیفی عوامل شخصی و اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی

عوامل شخصی و اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
عوامل شخصی بهبود وضعیت اقتصادی	375	1/12	1/23
عوامل شخصی تضعیف وضعیت اقتصادی	375	0/96	1/33
عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی	375	0/59	0/80
عوامل اجتماعی تضعیف وضعیت اقتصادی	375	0/47	0/80

جدول 2- ضرایب همبستگی کندال تاو بین تغییر در وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی یا اجتماعی

اسناد به عوامل اجتماعی		اسناد به عوامل شخصی		تغییر در وضعیت اقتصادی
وضعیت اقتصادی بهتر شده	وضعیت اقتصادی بدتر شده	وضعیت اقتصادی بهتر شده	وضعیت اقتصادی بدتر شده	
$r = 0/562^*$ $p = 0/001$ $n = 175$	$r = -0/21$ $p = 0/13$ $n = 168$	$r = 0/573^*$ $p = 0/001$ $n = 175$	$r = -0/554^*$ $p = 0/001$ $n = 168$	

وجود دارد اما در اسناد به عوامل اجتماعی رابطه ای به دست نیامد و بین بهبود وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی و اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود دارد و بر این اساس فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد ($p \leq 0/01$).

با توجه به اطلاعات جدول 2 ضرایب همبستگی کندال تاو نشان داد رابطه بین تغییر در وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی یا اجتماعی در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است، یافته‌ها نشان داد بین تضعیف وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی رابطه معنادار منفی

جدول 3- ضرایب همبستگی پیرسون بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با عوامل فردگرایی اقتصادی فلدمن و گرایش اجتماعی

اسناد به عوامل اجتماعی		اسناد به عوامل شخصی		انحراف استاندارد	میانگین	متغیرها
وضعیت اقتصادی بهتر شده	وضعیت اقتصادی بدتر شده	وضعیت اقتصادی بهتر شده	وضعیت اقتصادی بدتر شده			
r = -0/21* p = 0/001 n = 375	r = 0/057 p = 0/27 n = 375	r = -0/13* p = 0/009 n = 375	r = 0/05 p = 0/27 n = 375	2/52	/15 11	انطباق سازمانها برای فرصت برابر
r = -0/05 p = 0/33 n = 375	r = 0/06 p = 0/21 n = 375	r = -0/11* p = 0/02 n = 375	r = 0/06 p = 0/23 n = 375	2/88	/47 13	فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر
r = 0/12* p = 0/01 n = 375	r = -0/004 p = 0/93 n = 375	r = * -0/11 p = 0/03 n = 375	r = 0/05 p = 0/29 n = 375	0/78	2/58	اخلاق کاری
r = -0/39* P = 0/02 n = 375	r = -0/15 p = 0/40 n = 375	r = -0/11 p = 0/51 n = 375	r = -0/15 p = 0/40 n = 375	3/46	8/22	گرایش اجتماعی

نیامد ($p > 0/05$) و قسمت دوم فرضیه در رابطه با عامل اول تایید نشد.

در رابطه با وجود رابطه معنادار بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر، تنها بین اسناد عوامل شخصی در بهبود وضعیت اقتصادی مردم با فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر رابطه معناداری در سطح $p \leq 0/05$ به دست آمده و مورد تایید قرار گرفت.

علاوه بر این، قسمت دیگر فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با اخلاق کاری، ضرایب همبستگی پیرسون بین اسناد عوامل شخصی بهبود وضعیت اقتصادی

با توجه به اطلاعات جدول 3 فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با سه عامل فردگرایی اقتصادی فلدمن (انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر و اخلاق کاری) و گرایش اجتماعی، ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی مردم با انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر رابطه معناداری در سطح $0/01$ $p \leq$ وجود دارد و قسمت اول فرضیه در رابطه با عامل اول مورد تایید قرار گرفت، در حالیکه بین تضعیف وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی و عوامل اجتماعی رابطه معناداری بدست

مردم با اخلاق کاری رابطه مثبت معنادار در سطح $p \leq 0/05$ به دست آمد، اما بین اسناد عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی مردم با اخلاق کاری رابطه منفی معنادار در سطح $p \leq 0/01$ به دست آمد و قسمت اول فرضیه در رابطه با عامل سوم مورد تایید قرار گرفت. درحالیکه ضرایب همبستگی پیرسون بدست آمده بین اسناد عوامل شخصی و اجتماعی تضعیف وضعیت اقتصادی مردم با اخلاق کاری رابطه معناداری را نشان نداده و قسمت دوم فرضیه در رابطه با عامل سوم مورد تایید قرار نگرفت ($p > 0/05$).

همچنین قسمت دیگر فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اسناد عوامل شخصی و عوامل اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با گرایش اجتماعی برطبق یافته‌های جدول فقط بین اسناد عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی مردم با گرایش اجتماعی رابطه منفی معناداری در سطح $p \leq 0/05$ به دست آمده و قسمت وجود رابطه بین اسناد عوامل اجتماعی بهبود وضعیت اقتصادی مردم با گرایش اجتماعی، فرضیه تحقیق مورد تایید قرار گرفت.

جدول 4- ضرایب همبستگی بین تغییر وضعیت اقتصادی مردم با عوامل سازه گرایش به خود اقتصادی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	انطباق سازمانها برای فرصت برابر	فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر	اخلاق کاری
تغییر وضعیت اقتصادی افراد	0/274	2/68	$r = -0/16^*$ $p = 0/002$ $n = 375$	$r = -0/12^*$ $p = 0/02$ $n = 375$	$r = 0/64$ $p = 0/21$ $n = 375$

با توجه به اطلاعات جدول 4 فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سه عامل فردگرایی اقتصادی فلدمن (انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر و اخلاق کاری) و گرایش اجتماعی با تغییر وضعیت اقتصادی مردم ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد، رابطه انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است، بنابراین بین انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر با تغییر وضعیت اقتصادی مردم رابطه منفی معناداری وجود دارد و قسمت اول فرضیه در رابطه با عامل اول تایید می‌گردد.

در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است، بنابراین بین فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر با تغییر وضعیت اقتصادی مردم رابطه منفی معناداری وجود دارد و فرضیه تایید می‌گردد.

علاوه بر این، قسمت سوم فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اخلاق کاری با تغییر وضعیت اقتصادی مردم برطبق یافته‌های جدول نشان داد رابطه معناداری بین اخلاق کاری با تغییر وضعیت اقتصادی مردم وجود نداشته است و قسمت سوم فرضیه مورد تایید قرار نگرفت ($p > 0/05$).

همچنین قسمت دوم فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر با تغییر وضعیت اقتصادی مردم

جدول 5- ضرایب همبستگی عوامل سازه گرایش به خود اقتصادی با گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بدتر شده، بهتر شده و یا تغییر نکرده است.

گرایش اجتماعی			
وضعیت اقتصادی تغییر نکرده	وضعیت اقتصادی بهتر شده	وضعیت اقتصادی بدتر شده	
r = -0/27 p = 0/13 n = 32	r = 0/08 p = 0/61 n = 175	r = 0/06 p = 0/69 n = 168	انطباق سازمانها برای فرصت برابر
r = -0/02 p = 0/91 n = 32	r = 0/21 p = 0/20 n = 175	r = 0/19 p = 0/21 n = 168	فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر
r = -0/27 p = 0/13 n = 32	r = -0/88* p = 0/001 n = 175	r = -0/52* p = 0/001 n = 168	اخلاق کاری

گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین دو گروه افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بهتر شده یا بدتر شده، در سطح $p \leq 0/01$ رابطه منفی معناداری وجود دارد و فرضیه تحقیق در رابطه با دو وضعیت اقتصادی بهتر شده و بدتر شده مورد تایید قرار گرفت. با توجه به این که رابطه بین دو مجموعه از متغیرها شامل عوامل مربوط به گرایش خود اقتصادی و گرایش اجتماعی در پژوهش حاضر فقط برای اخلاق کاری معنادار بوده و هیچ کدام از ضرایب همبستگی دیگر معنادار نیستند، نیازی به تحلیل رگرسیون چندگانه وجود ندارد. زیرا همبستگی چندگانه در تحلیل رگرسیون چندگانه نیازمند روابط درونی معنادار بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است در حالیکه در اینجا تنها یکی از ضرایب همبستگی در متغیرهای مستقل (اخلاق کاری) معنادار بوده است و در رگرسیون چندگانه نیز تنها همین عامل ظاهر می‌گردد.

با توجه به اطلاعات جدول 5 فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین انطباق سازمانها برای فرصت‌های برابر با گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بدتر شده، بهتر شده و یا تغییر نکرده است رابطه معناداری به دست نیامد و این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت ($p > 0/05$).

همچنین در فرضیه پنجم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر با گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بدتر شده، بهتر شده و یا تغییر نکرده است نشان داد، رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد و فرضیه مورد تایید قرار نگرفت ($p > 0/05$).

علاوه بر این فرضیه ششم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اخلاق کاری با گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش بدتر شده و بهتر شده و یا تغییر نکرده است، یافته‌ها نشان داد بین اخلاق کاری با

اما قسمت دیگر فرضیه مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اخلاق کاری با گرایش اجتماعی در بین افرادی که وضعیت اقتصادی آنها در بین نمونه پژوهش تغییر نکرده است، رابطه معناداری به دست نیامد و مورد تایید قرار نگرفت ($p > 0/01$).

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین تغییر در وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، بدین نحو که بین تضعیف وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی رابطه منفی معناداری برقرار است، یعنی در چنین شرایطی مردم از اسناد به عوامل شخصی کمتر استفاده می‌کنند، اما در اسناد به عوامل اجتماعی رابطه ای به دست نیامد و در بهبود وضعیت اقتصادی مردم با اسناد به عوامل شخصی و اجتماعی هر دو رابطه مثبت معناداری دارد، یعنی در این شرایط مردم از هر دو اسناد (عوامل شخصی / اجتماعی) بهره می‌برند. این یافته با توجه به نظریه سوگیری به نفع خود قابل توجیه است. در این نظریه بیان می‌شود که افراد معمولاً در شکست‌های خود گرایش به استفاده از اسنادهای موقعیتی و در موفقیت‌های خود گرایش به اسنادهای مبتنی بر ویژگی‌های شخصی دارند (ارونسون، 1384)، این یافته همچنین با نتایج تحقیقات دیویس و استفان (1980)، گریفین (1983)، فریز (1985)، ویتلی (1986) و انورخامه ای (1384) همخوانی دارد.

در بررسی رابطه بین اسناد عوامل شخصی و اجتماعی تغییر وضعیت اقتصادی مردم با انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون

جامعه برای نگه داری فقر، اخلاق کاری و گرایش اجتماعی، یافته‌های تحقیق نشان داد که بین بهبود وضعیت اقتصادی مردم با انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر رابطه منفی معناداری وجود دارد، بدین معنا که افراد بهبود وضعیت اقتصادی خود را به عوامل شخصی و اجتماعی اسناد می‌دهند و معتقدند سازمان‌ها برای همه افراد فرصت‌های برابری ایجاد می‌کنند و هر کس با توجه به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود می‌تواند از فرصت‌های برابر استفاده کند. علاوه بر این، یافته‌های این بخش نشان داد که رابطه منفی معناداری بین اسناد عوامل شخصی در بهبود وضعیت اقتصادی مردم با فشارهای درون جامعه برای نگهداری فقر وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا نمود افرادی که موفقیت خود را به عوامل شخصی اسناد می‌دهند، مطابق با نظریه سوگیری به نفع خود، معتقد به وجود فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر نمی‌باشند. به نظر این دسته از افراد، جامعه برای همه فرصت‌های برابری ایجاد می‌کند و یا عاملی جهت فشار برای نگه داری فقر وجود ندارد، بلکه این خود افراد هستند که باید از فرصت‌ها استفاده کنند و به تبع آن موفقیت شان را به خود نسبت دهند. همچنین بین اسناد عوامل شخصی بهبود وضعیت اقتصادی با اخلاق کاری رابطه مثبت معناداری به دست آمد بگونه ای که افرادی که بهبود وضعیت اقتصادی خود را به عوامل شخصی اسناد می‌دادند همان کسانی بودند که همچنین اعتقاد داشتند افراد فقیر مطابق با آنچه سزاوارشان است زندگی می‌کنند و به دلیل عدم شایستگی فقیر باقی مانده اند. طبق

باعث افزایش کمک رسانی نمی‌شود (آیزن و سیموندز⁵، 1978).

از دیگر نتایج قابل توجه تحقیق می‌توان به این اشاره کرد که بین تغییر وضعیت اقتصادی افراد، بدون در نظر گرفتن اسناد آن به عوامل شخصی و اجتماعی، با انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر رابطه منفی معناداری وجود دارد، بدین معنا که افراد دارای وضعیت اقتصادی بهتر معتقدند سازمان‌ها فرصت‌های برابر ایجاد کرده‌اند و افراد دارای وضعیت اقتصادی بدتر معتقدند سازمان‌ها فرصت‌های برابری ایجاد نکرده‌اند. این یافته نظریه سوگیری به نفع خود (ارونسون، 1384) را تایید می‌کند. بین تغییر وضعیت اقتصادی افراد، بدون در نظر گرفتن اسناد آن به عوامل شخصی و اجتماعی، با فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر نیز رابطه منفی معناداری مشاهده شد که نشانگر آن است که افراد دارای وضعیت اقتصادی بهتر معتقدند جامعه برای نگه داری فقر بر افراد فشاری وارد نمی‌کند و این خود افراد فقیر هستند که شایستگی و توانایی لازم برای بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی‌شان را ندارند. این یافته با فرضیه دنیای عادل مطابقت می‌کند. بر طبق این فرضیه، وضعیت اقتصادی هر فرد نتیجه مستقیم عملکرد وی در حوزه فعالیت اقتصادی است و ارتباطی با شرایط ساختاری جامعه ندارد (برکوویتز، 1969، اسکوپلر و متوز، 1965). در نقطه مقابل، افراد دارای وضعیت اقتصادی بدتر معتقد بودند جامعه امکان بهبود وضعیت اقتصادی را برای آنها ایجاد نمی‌کند و فقر را در افراد فقیر نهادینه می‌کند. این یافته نیز با

نظر لرنر¹ و سیمون (1966)، پیامد چنین تفکری اغلب کاستن از ارزش مردمی است که علت بدبختی شان را به خودشان اسناد می‌دهند. این یافته همچنین با این نظریه همخوانی دارد که می‌گوید افرادی که اعتقاد دارند خودشان سرنوشت شان را رقم زده‌اند (اسناد به عوامل شخصی) نسبت به کسانی که قربانی سرنوشت شده‌اند کمتر یاری می‌شوند (برکوویتز²، 1969، اسکوپلر و متوز³، 1965).

یافته دیگر مبنی بر وجود رابطه منفی معناداری بین اسناد عوامل اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی با گرایش اجتماعی است و چنین استنباط می‌شود که افرادی که بهبود وضعیت اقتصادی خود را به عوامل اجتماعی نسبت می‌دهند همان کسانی هستند که اعتقاد دارند باید به اصول اجتماعی و منافع جمعی توجه شود. این یافته مطابق با نظریه تاثیر خلق بر کمک کردن است و حاکی از آن است که احتمال کمک کردن می‌تواند توسط خلق تماشاگران تحت تاثیر قرار گیرد. به طور کلی عوامل شخصی با گرایش به خود اقتصادی بیشتر مرتبط هستند، در حالیکه عوامل اجتماعی با فرضیه رقیب یعنی گرایش اجتماعی رابطه نشان می‌دهند که کاملاً مورد انتظار است. این یافته با تحقیقات آیزن⁴ و همکارانش (1989) و تری، هوگ و ویت، (1999) نیز همخوانی دارد. اگرچه خلق مثبت با افزایش کمک کردن رابطه دارد، ولی اگر شخص فکر کند که کمک کردن خلق خوب را خراب خواهد کرد،

1- Lerner

2 - Berkowitz

3 - Schopler & Matthews

4 - Isen

5 - Simmonds

نظریه سوگیری به نفع خود قابل دفاع است و با نظر تافت (1987)، سیمون (1993، 1990) و کلانتری (1384) مطابقت دارد.

از دیگر یافته‌های تحقیق اینچنین بر می‌آید که بین انطباق سازمان‌ها برای فرصت برابر با گرایش اجتماعی افراد با هر وضعیت اقتصادی رابطه‌ای وجود ندارد، بدین معنا که در نظر گرفتن منافع جمعی و توجه و سودرسانی به جامعه با نظر فرد در رابطه با شرایط سازمانی و استخدامی ارتباطی ندارد و افراد با هر وضعیت اقتصادی بین این دو متغیر ارتباطی برقرار نمی‌کنند. همچنین بین فشارهای درون جامعه برای نگره داری فقر با گرایش اجتماعی افراد با هر وضعیت اقتصادی رابطه‌ای به دست نیامد، شاید می‌توان چنین استنباط کرد که چون گرایش اجتماعی و منافع جمعی و توجه جامعه با شرایط سخت اجتماعی و فشارهایی که باعث افزایش فقر در جامعه می‌شود ارتباطی ندارند، در نتیجه افراد با هر وضعیت اقتصادی - اجتماعی منافع جمعی و ملی را در نظر می‌گیرند و تفاوتی بین نظر افراد با بهبود و یا تضعیف وضعیت اقتصادی در این زمینه وجود ندارد.

آخرین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین اخلاق کاری با گرایش اجتماعی افراد در شرایط اقتصادی خوب و بد رابطه منفی معناداری وجود دارد. یعنی افرادی که از گرایش‌های جمعی امتیاز پایین تری کسب می‌کنند، نسبت به افراد فقیر، در اخلاق کاری استنباط سخت گیرانه تری دارند، در حالی که افراد دارای امتیاز گرایش جمعی بالا، تمایل بیشتری در کمک رسانی و سهل گیری نسبت به افراد فقیر داشته و علت فقر آنها را به عوامل بیرونی اسناد می‌دهند. این یافته با نظریه

دنیای عادل و سوگیری خود خدمت کن همخوانی دارد و قابل توجیه است. به طور کلی تقریباً همگی نظریه‌های رفتاری و نگرشی در علوم سازمانی فرض بر این دارند که افراد مطابق با نفع شخصی عاقلانه شان عمل می‌کنند.

در نهایت، آنچه در تحلیل نهایی به نظر نویسندگان می‌رسد این است که شعار انتخاباتی رییس جمهور منتخب هم شامل مولفه‌های گرایش اجتماعی و هم شامل مولفه‌های گرایش فردی بود و بنابراین، وی توانست اکثریت رای دهندگان را به پای صندوقهای رای آورده و آرای بیشتری کسب کند. همچنین مردم با انتخاب احمدی نژاد نشان دادند میزان گرایشات فردی با توجه به مسایل مطرحی توسط ایشان که بیشتر بر مسایل اقتصادی فردی تاکید می‌کرد بیشتر است.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش، حجم اندک نمونه است که به دلیل محدودیت زمان و امکانات این حجم محدود انتخاب شده است. محدودیت دیگر پژوهش بازاری از پاسخ به دلیل ساخت سیاسی جامعه است که ممکن است در برخی از موارد آزمودنی‌ها نظر واقعی خویش را بیان نکنند و در نهایت سنجش ذهنی (خودگزارشی) تغییر وضعیت اقتصادی است که آزمودنی‌ها در پاسخ به این سؤال نظر خود را بیان کرده اند. لازم است در پژوهش‌های بعدی سنجش عینی برای تغییر وضعیت اقتصادی صورت گیرد.

پیشنهادات پژوهش

- ۲- باوند، داوود هرمیداس. انتخابات، بازخوانی دوباره (میزگرد)، نامه، شماره 39، صص 16-10، 1384
- ۳- پیمان، حبیب الله. عدالت بدون آزادی نتیجه آزادی بدون عدالت، نامه، شماره 39، صص 6-9، 1384
- ۴- حاجی وند، مهرناز. نابرابری جنسی گونه ای از نابرابری اجتماعی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسایل جامعه شناسی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص 179-196. 1383
- ۵- خامه ای، انور. معمای انتخابات نهم، چشم انداز ایران، دو ماهنامه سیاسی- راهبردی، شماره 33، صص 6-8. 1384.
- ۶- دهشیار، حسین. نکاتی چند درباره انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره نهم و دهم (213-214)، صص 51-36، 1384
- ۷- راش، مایکل. جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت، صص 140-139، 1377.
- ۸- رحیمی، فاطمه، حمیدرضا عریضی و احمد عابدی. بررسی میزان گرایش به خود و گرایش به جامعه کاندیداهای ریاست جمهوری دوره نهم بر اساس تحلیل محتوای سخنان آنان، اصفهان، هفته پژوهش، 1384.
- ۹- رحیمی، فاطمه، حمیدرضا عریضی و مختار ملک‌پور. پایایی سنجی، اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه فردگرایی اقتصادی فلدمن در شهر اصفهان. زیر چاپ در مجله علوم روانشناختی دانشگاه الزهراء، 1385.
- ۱۰- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی الن. نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی، انتشارات موسسه نشر ویرایش، 1383.

تکرار این پژوهش در انتخابات بعدی می‌تواند نشان دهنده روند¹ گرایش به خود اقتصادی در جامعه باشد و این که آیا مردم در این مقیاس تغییر کرده‌اند یا خیر؟ همچنین با توجه به سنجش تغییر وضعیت اقتصادی یک سؤال اساسی، میزان دقت خود گزارشی است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی با همگرایی سنجش عینی و ذهنی تکمیل گردد. همچنین اجرای مجدد پرسشنامه گرایش به خود اقتصادی فلدمن و تحلیل عاملی آن نشان خواهد داد که آیا این مقیاس همچنان به همان سه عامل انطباق سازمان‌ها برای فرصت‌های برابر، فشارهای درون جامعه برای نگه داری فقر و اخلاق کاری تجزیه خواهد شد و یا ساختار عاملی آن تغییر خواهد کرد. همچنین پژوهشگران بعدی می‌توانند با استفاده از شیوه‌های پیشرفته آمار از قبیل نظریه سؤال- پاسخ² و معادلات ساختاری مشخص سازند که آیا در بین گروه‌های مختلف این ابزار دارای هم ارزی سنجش³ است، یعنی مثلاً اگر یک زن و یک مرد دارای یک نمره گرایش به خود اقتصادی باشند، آیا در آن متغیر واقعا برابرند.

منابع

- ۱- ارونسون، الیوت. روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، ویرایش هشتم، چاپ هفدهم، 1384

1 - Trend analysis
2 - Item- Response theory
3 - Measurement equivalence

- ۱۱- عبدی، عباس. رونق اقتصادی، پیامد دموکراسی. چشم انداز ایران، دو ماهنامه سیاسی- راهبردی، شماره 33، صص 23-31، 1384.
- ۱۲- عریضی، حمیدرضا. رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 13، صص 145-163، 1383.
- ۱۳- غنی، مهدی. چالش‌های درونی جناح حاکم. نامه، شماره 40، صص 44-46، 1384.
- ۱۴- قادری، حاتم. شعار فانی است به ویژه در ایران. نامه، شماره 39، صص 19-22، 1384.
- ۱۵- کورمن. روانشناسی صنعتی و سازمانی. ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، 1371.
- ۱۶- کلانتری، صمد. انتخابات شگفت انگیز و گیج کننده. اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره نهم و دهم (213-214). صص 4-15، 1384.
- ۱۷- کلانتری، صمد. نگاهی نو بر مسایل اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی جهان سوم. تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، صص 275، 1384.
- ۱۸- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی. ترجمه احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، محمدجعفر پاکسرشت، علیرضا کیامنش، خسرو باقری، محمد خیر، منیژه شهنی بیلاق، زهره خسروی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1382.
- ۱۹- گلاس، جین؛ و استانلی، جولیس سی. روشهای آماری در تعلیم و تربیت و روانشناسی. ترجمه مهتاش اسفندیاری و جمال عابدی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، 1368.
- ۲۰- مدنی، سعید. آنومی سیاسی اصلاح طلبان (2) معین: نه استراتژی، نه تاکتیک. نامه، شماره 40، صص 40-43، 1384.
- ۲۱- مظفر، محمد جواد. رفاه عمومی با کار و قناعت ملی. چشم انداز ایران، دو ماهنامه سیاسی- راهبردی، شماره 33، صص 32-38، 1384.
- ۲۲- مولوی، حسین. بررسی اعتبار پرسشنامه ارزشیابی خود در رابطه با گرایش به روانپریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنگ. اندیشه و رفتار، شماره 4، 1377.
- 23- Arcelus, F., and A.H.Meltzer. 1975. The effect of aggregate economic variables on congressional elections. *American Political Science Review*, 69(December 1975): 1232-1239.
- 24- Archer, R. L.(1991). Dispositional empathy and a pluralism of prosocial motives. *Psychological Inquiry*, 2, 123-124.
- 25- Bazerman, M. H.(1993). Fairness, social comparison and irrationality. In J. K. Cunningham (Ed.), *social psychology in organizations* (pp.184-203). Englewood Cliffs, NJ; prentice Hall.
- 26- Berkowitz, L. (1969). Resistance to improper dependency relationships. *Journal of Experimental Social Psychology*, 5, 283-294.
- 27- Crandall, J. E.(1975). A scale of social interest. *Journal of Individual Psychology*, 31.187-195.
- 28- Cohen, P. (1992). A power primer, *Psychological Bulletin*, 1993, 156-162.
- 29- Davis, M. H., & Stephan, W. G. (1980). Attributions for exam performance. *Journal of Applied Social Psychology*, 10, 235-48.
- 30- Feldman, S. (1981). Economic individualism and mass belief systems. Paper prepared for delivery at the Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Cincinnati, Ohio, April 15-18, 1981.
- 31- Fry. P.S. (1976). Success. failure. And self-other orientations. *Journal of Psychology*, 93, 43-49.
- 32- Griffin, B. Q., Combs, A. L., Land, M.L., & Combs, N. N. (1983). Attribution of

- of Personality and Social Psychology, 4, 203-210.
- 43- -Lipset, S.M. (1960). Political man. New York: Doubleday.
- 44- -Locke, E. A. (1975). Personnel attitudes and motivation. Annual Review of Psychology, 61,457-480.
- 45- -Ma, H. K., & Leung, M. C.(1991). Altruistic orientation in children: Construction and validation of the Child Altruism Inventory. International Journal of Psychology, 26, 745-759.
- 46- -Meltzer, A. H., and M. Vellrath. 1975. The effects of economic policies on votes for the presidency. Journal of Law and Economics, 18(December 1975): 781-798.
- 47- -Miller, Warren E. and J. Merrill Shanks. (1996). The New American Voter. Cambridge: Harward University Press.
- 48- -Owens. J. R., and E.C. Olson. (1980). Economic fluctuations and congressional elections. American Journal of Political Science, 24(August 1980): 469-493.
- 49- -Patterson, Thomas, (2002). The Vanishing Voter: Public involment in an Age of Uncertainty. New York. Knopf.
- 50- -Pomper, M. Gerald, ed. The Election of 2000. New York: Chatham House/ Seven Bridges Press, (2001), pp. 93-108.
- 51- -Ravlin, E. C., & Meglino, B. M. (1987). Effect of values on perception and decision making: A study of alternative work values measures. Journal of Applied Psychology. 72, 666-673.
- 52- -Rose, M., & Sicol, F.(1979). Egocentric biases in availability and attribution. Journal of Personality and Social Psychology, 37, 322-336.
- 53- -Rushton, J. P., Chrisjohn, R. D., & Fekken. G. C. (1981). The altruistic personality and the Self-Report Altruism Scale. Personality and Individual Differences, 2, 293-302.
- success and failure in college performance. Journal of Psychology, 114, 259-66.
- 33- -Heider, F. (1958). The psychology of interpersonal relations. New York: Wiley.
- 34- -Hofstede. G. (1984). Culture's consequences: International differences in work-related values. Beverly Hills. CA: Sage.
- 35- -Isen, A. M., & Simmonds, S. F. (1978). The effect of feeling good on helping: Cookies and kindness. Social Psychology, 41, 346-349.
- 36- -Isen, A.M. (1987). Positive affect, cognitive processes and social behavior. In L. Berkowitz (Ed), Advances in social psychology (Vol. 20, pp. 203-253). New York: Academic Press.
- 37- -Kelley, H. H. (1973). The processes of causal attribution. American Psychologist, 28(1973): 107-128.
- 38- -Kinder, D.R., and D.R. Kiewief. (1981). Economic grievances and political behavior: The role of personal discontents and collective judgments in congressional voting. American Journal of Political Science, 23(August 1979): 495-527.
- 39- -Kwan, V. S. Y., Bond, M. H., & Singelis, T. M. (1997). Pan cultural explanations for life satisfaction: Adding relationship harmony to self-esteem. Journal of personality and Social Psychology, 73, 1038-1051.
- 40- -Lau, R. Richard, and David P. Redlawsk, "Voting Correctly". American Political Science Review. Vol. 91, No, 3, September 1997, p. 585.
- 41- -Lazarsfeld, Paul F., Bernard Berelson and Hazel Gaudel. (1948). The People's Choice: How the Voter Makes up His Mind in a Presidential Campaign. 2nd ed. New York: Columbia university Press.
- 42- -Lerner, M. J., & Simmons, C. H. (1966). Observers reactions to the "innocent victim": Compassion or rejection? Journal

- 65- -Vecchio. R. P. (1981). An individual-differences interpretation of the conflicting predictions generated by equity theory and expectancy theory. *Journal of Applied Psychology*, 66, 470-481.
- 66- -Watkins, C.E. (1994). Measuring social interest. *Individual psychology*, 50, 69-96.
- 67- -Whitly, B. E., & Frieze, I. H. (1985). Children's causal attributions for success and failure in achievement settings; A meta-analysis. *Journal of Educational Psychology*, 77, 608-16.
- 54- -Schlenker, B. R., & Weigold, M.F. (1992). Interpersonal processes involving impression regulation and management. *Annual Review of psychology*, 43, In press.
- 55- -Schopler, J., & Matthews, M. (1965). The influence of perceived causal locus of partners dependence of the use of interpersonal power. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2, 609-612.
- 56- -Simon, H. A. (1990). A mechanism for social selection and successful altruism. *Science*, 250, 1665-1668.
- 57- -Simon, H. A. (1993). Altruism and economies. *American Economic Review*, 83, 150-161.
- 58- -Sniderman, P.M., and R. A. Brody.(1977). Coping: The ethic of self-reliance. *American Journal of Political Science*, 21(August 1977): 501-523.
- 59- -Stigler, G. (1973). General economic conditions and national elections. *American Economic Review*, 63(May 1973):160-167.
- 60- -Terry, D. J., Hogg. M. A., & White. K. M. (1999). The theory of planned behavior: Self- identity, social identity and group norms. *British Journal of Social Psychology*, 38, 225-244.
- 61- -Tice, D. M.(1991). Esteem protection or enhancement? Self-handicapping motives and attributions differ by trite self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 711-25.
- 62- -Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Boulder, CO: West view Press.
- 63- -Tufte, E.R. (1987). *Political control of the economy*. Princeton, N.J: Princeton University Press.
- 64- -Turillo, C. J., Folger, R., Lavelle. J. J., Umphress. E. E., & Gee. J.O. (2002). Is virtue its own reward? Self-sacrificial decisions for the sake of fairness. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 89, 839-865.